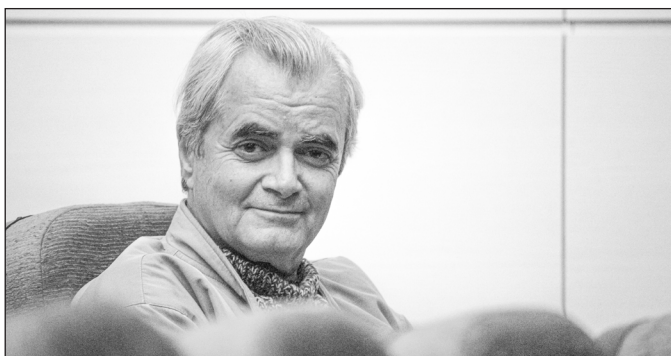


گفت‌وگوی استقامت با محمد اسلامی عکاس و فیلم‌ساز

با عکس‌هایم فیلم‌های کوتاه می‌سازم!

✪ عکاسی تئاتر تجربه‌ای جذاب و آموزنده است

✪ چه خوب بود اگر از توانمندی‌ها و ایده‌هایم استفاده می‌شد



و برای کسی مهم و ضروری نیست که پول بابتش هزینه کند!».

وی افزود: «من شاکی نیستم و دارم زندگی می‌کنم؛ این شرایط فقط برای من نیست، برای سایر دوستانم هم همین‌طور است. البته اکثر آن‌ها با دستمزدهای بسیار پایین و از سر اجبار کار قبول می‌کنند که امیدوارم اوضاع هرچه زودتر خوب شود».

تجربه جذاب عکاسی از تئاتر

اسلامی که اخیراً وارد ژانر جدیدی شده و به عکاسی از تئاتر می‌پردازد، درباره‌ی گرایش به این حوزه توضیح داد: «جناب علیرضا سهرابی که از او ممنون هستم، گروهی را با نام اصحاب رسانه ایجاد کرده که عزیزانی در آن حضور دارند که با هم به تماشای تئاتر می‌رویم. در این آمد و رفت‌ها هم یکدیگر را می‌بینیم، هم حاملان خوش می‌شود و هم عکس می‌گیریم. تجربه شیرین، جذاب، جالب و جدیدی برای من در حیطه عکاسی است».

وی خاطرنشان کرد: «در تئاتر هم از پشت صحنه‌ها عکس می‌گیرم و هم عکس‌هایی را که خودم می‌سازم و هم عکس‌هایی که از اجرا می‌گیرم».

اسلامی گفت: «این کار علاوه بر این که یک تجربه عالی برای من است، یک بُعد تبلیغی و اطلاع‌رسانی برای گروه‌های نمایشی دارد که آن‌ها هم عاشقانه و بدون هیچ چشم‌داشت مالی کار تئاتر را انجام می‌دهند. عکس‌ها در فضای مجازی و یا رسانه‌ها به نمایش در می‌آید تا مردم مطلع شوند، ببینند و تا کار تئاتر و نمایش رونق بگیرد».

وی افزود: «از یک زاویه‌ی دیگر هم به این موضوع نگاه می‌کنم. در واقع دارد آرشو تصویری از تاریخچه تئاتر کرمان توسط من و دوستانم به‌مرور بوجود می‌آید که برای استفاده آیندگان خواهد بود. این کار را ما شروع کرده‌ایم و امیدوارم که دیگران هم ادامه بدهند».

وقتی از او سوال کرد: «چه چیزی را در عکاسی تئاتر دنبال می‌کنید؟». اسلامی پاسخ داد: «همان‌طور که گفتیم علاوه بر حال خوش که با این کار حاصل واقعاً خوب می‌شود، همیشه در حال تجربه و یادگیری هستم و دارم می‌آموزم».

وی افزود: «البته در جاهایی که برای هنر و هنرمند ارزش قائل هستند، متولیان فرهنگ و هنر این عکس‌ها را می‌خرند و آرشو می‌کنند». فیلم‌ساز پیشکسوت کرمانی خاطرنشان کرد: «آن متولیان و مدعیان نه فقط عکس‌های تئاتر، بلکه عکس‌های بافت شهری، طبیعت، آثار تاریخی و هر آنچه که مربوط به آن شهر و آن منطقه است را می‌خرند، آرشو می‌کنند و روی آن مطالعه می‌کنند و برای آیندگان نگه می‌دارند».

وی گفت: «بنابراین باید مراکز می‌باشد که این عکس‌ها را از کسانی که سال‌هاست کار عکاسی انجام داده‌اند، و در آرشو دارند خریداری کنند».

ادامه در صفحه ۷

می‌رفتند و هر فیلم ۵ تا ۸ جایزه هم می‌گرفتند. تمام عوامل اصلی فیلم‌هایم در جشنواره‌های سراسری صدا و سیما که بین استان‌ها برگزار می‌شد جایزه می‌گرفتند و این اتفاق خیلی مهمی هم برای من، هم برای عوامل فیلم‌هایم و هم برای صدا و سیما مرکز کرمان بود». وی اظهار کرد: «در دوره آقای سیدجواد موسوی اتفاق خیلی بزرگی در مستندسازی کرمان افتاد که حتی در تهران هم تاثیر گذاشت و آقای ضرغامی یک سال را به عنوان «تهضت مستندسازی» نام‌گذاری کرد و ایشان یکی از فیلم‌هایم را به نام «کرمان در این سال سی» به‌عنوان نمونه برای سایر استان‌ها فرستادند».

وی در پاسخ به این سوال که پس از آن چه اتفاقی رخ داد، آیا این دوره پرکاری به پایان رسید؟ گفت: «به نظرم در اینجا نباید قذت از یک حدی بلندتر شود! حسادت‌ها و ذهن‌های کوچک و بسته نمی‌گذارند که کار کنی و پیشرفت داشته باشی. نمی‌دانم، شاید من آدم بدبینی هستم. البته من خودم هیچ‌وقت آینه بغل نداشتم که نگاه کنم تا ببینم بقیه چه کار می‌کنند؟ یعنی در کار و زندگی دیگران سرک نمی‌کنم. پرس‌وجو نمی‌کنم و سرم به کار خودم هست. از موفقیت دیگران هم خوشحال می‌شوم و هم لذت می‌برم».

اسلامی ادامه داد: «طی ۱۲ سال گذشته و در دوره جدید مدیریت تلویزیون در کرمان، هیچ‌گاه از من احوالی نپرسیدند و یادی نکردند. گله‌مند نیستم و از کسی هم توقع و انتظاری ندارم. سال‌هاست این را یاد گرفته‌ام که فقط و فقط از خدا کمک بخواهم و وقتی را صرف کار و تلاش کنم. گله کردن و شاکی بودن نشانه ضعف است. اما چه خوب بود در این ۱۲ سال از توانمندی‌هایم و ایده‌هایم استفاده می‌کردند، به نفع خودشان بود».

نبرد تهیه‌کننده برای فیلم‌سازی

وقتی از او پرسیدیم: «چرا برنامه‌های خود را معطوف به تلویزیون کردید؟»، پاسخ داد: «چون فیلم‌سازی کار سختی است و نیاز به اسپانسر دارد. همان زمان هم که در تلویزیون کار می‌کردم، آن‌ها فقط به من وسایل و ابزار می‌دادند، اگر کمک‌های دوستانم در بیرون از تلویزیون نبود واقعاً نمی‌توانستم فیلم بسازم». وی اضافه کرد: «آن زمان ما با عشق و علاقه کار را انجام می‌دادیم، اما الان هزینه‌ها بسیار بسیار بالاست و توقع هم از من هم بالا رفته است».

پیشکسوت عکاسی کرمان افزود: «دلیل اینکه الان بیشتر به سمت عکاسی آمده‌ام و دیگر فیلم‌سازی نمی‌کنم برای این است که سرمایه‌گذار ندارم و علیرغم شعارها و حرف‌های قشنگی که زده می‌شود، کسی در امور فرهنگی و هنری پول خرج نمی‌کند».

وی ادامه داد: «اخیراً عکاسی هم به دلیل شرایط اقتصادی و گرانی‌های بیش از حد، خیلی سخت شده است. عکس و فیلم که از نیازهای و احتیاجات اولیه انسان‌ها نیست

رفت. در ورکشاپ‌های زیاد شرکت کردم، در نشست‌های نقد و بررسی جشنواره‌ها حضور یافتم و از صحبت‌های مخاطبین‌ام که اکثر آن‌ها مردم عادی بودند، خیلی یاد گرفتم».

پنج سال در رفسنجان

وی ادامه داد: «بعد از آن، سینمای جوانان رفسنجان توسط آقای حسین برزگر حسینی راه اندازی شد و آقای افشار از من خواست که به رفسنجان بروم و در آنجا تدریس کنم. بنابراین هفته‌ای دو روز به رفسنجان می‌رفتم».

اسلامی یادآور شد: «مدتی بعد آقای برزگر حسینی برای راه اندازی انجمن یاسوج رفتند و من بعد از دو ماه، در سن ۲۲ سالگی مسئول سینمای جوانان رفسنجان شدم».

وی افزود: «مدت ۵ سال از ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ مسئول سینمای جوانان رفسنجان بودم که دوره بسیار خوبی بود و با دوستان بسیار عزیزی آشنا شدم که یکی از آن‌ها جناب مهندس سعید قاسمی بودند. ایشان آن زمان در شیراز مهندسی زمین‌شناسی می‌خواندند و در تعطیلات که به رفسنجان می‌آمدند چون خطاط بودند به ما در تهیه تیتراژ فیلم‌ها کمک می‌کردند، ضمن این‌که اهل شعر و موسیقی هم بودند».

اسلامی بیان کرد: «به دلیل فعالیت‌هایی که داشتم و علاقه زیاد بچه‌های رفسنجان به تولید فیلم و عکس در سطح بالا، مورد توجه ویژه تهران قرار گرفتیم و در نتیجه از وسایلی که آن زمان در دوره جنگ به سختی وارد کشور می‌شد، به انجمن رفسنجان می‌دادند، بطوری که انجمن رفسنجان بسیار مجتهد بود».

پیشکسوت عکاسی کرمان یادآور شد: «آن زمان فقط یک جشنواره استانی بود و ما حاصل آن‌ها به جشنواره فیلم کوتاه تهران می‌رفت. بعد بنیاد مستضعفان یک جشنواره فیلم کوتاه در تبریز راه اندازی کرد که جشنواره‌های درجه یک در سینمای آماتور و فیلم کوتاه بود و در سطح عالی با جوایز خیلی خوب برگزار می‌شد. به‌مرور تعداد جشنواره‌ها زیاد شدند. ما هم در رفسنجان تولیدات زیاد و با کیفیت عالی داشتیم که جوایز زیادی برای فیلم‌سازان رفسنجانی در سطح کشور به‌همراه داشت. آن‌ها مطرح و دیده می‌شدند و به همین خاطر توجه ویژه‌ای به ما می‌شد».

برنامه‌سازی در تلویزیون کرمان

وی ادامه داد: «بعد از سال ۶۹ من به کرمان آمدم و به تلویزیون رفتم. در تلویزیون ابتدا شروع به برنامه‌سازی کردم و برنامه‌های زیادی هم برای تلویزیون کرمان و هم برای سایر شبکه‌های صدا و سیما ساختم که پخش شد. یک دوره‌ای هم با جناب احمد اسداللهی شاعر بزرگ همکاری داشتم. ایشان مجری بودند و من کارگردانی می‌کردم».

اسلامی با اشاره به ساخت مسابقات و برنامه‌های ادبی در تلویزیون کرمان خاطرنشان کرد: «مدیران تلویزیون وقتی دیدند که یک جوان دارد خوب کار می‌کند، میدان دادند و من هفت فیلم مستند ۱۶ میلیمتری برای تلویزیون کرمان ساختم که ساخت این فیلم‌ها بعد از فیلم‌های ۸ میلیمتری یک گام بزرگ برای من بود. دوستانی که در سینما فعالیت می‌کنند می‌دانند که ساخت فیلم ۱۶ میلیمتری در آن زمان بسیار سخت بود».

وی افزود: «با پیشرفت تکنولوژی و آمدن شکل‌های مختلف ویدئو، من شروع به ساخت فیلم داستانی کوتاه، فیلم مستند و مجموعه‌های مستند کردم که واقعا تعداد آن‌ها یادم نیست». فیلم‌ساز پیشکسوت کرمان گفت: «این فیلم‌ها، هر سال به جشنواره‌های صداوسیما

دوربین یکی از همکلاسی‌هایم از عروسی دختر خاله‌ام عکس گرفتم».

اسلامی گفت: «هرچند بسیاری آن عکس‌ها به دلیل این‌که من اطلاعی از دوربین و عکاسی نداشتم، خراب شد اما داماد به‌خاطر آن عکس‌هایی که گرفتم برای من یک پیراهن خرید. در واقع اولین عکس‌های حرفه‌ای من همان‌ها بودند».

ورود به سینمای جوانان کرمان

وی توضیح داد: «اولین عکس مهم به معنای عکس را سال ۶۳ با دوربین استادم مرحوم سهراب افشار گرفتم. ایشان به من اعتماد کرد و دوربین یاشیکا رفلکسی دو لنزی خودشان را به من دادند که یک حلقه ۱۲ تایی فیلم می‌خورد. ۱۱ تا از آن عکس‌ها خراب شد و یکی از آن‌ها شانس خوبی شد! چون از شاتر و دیافراگم چیزی نمی‌دانستم. عددها را یکی‌یکی می‌زدم و آخرین عکس خوب شد».

اسلامی اظهار کرد: «آن عکس را که از مرغ و خروس‌هایم گرفتم، هنوز دارم. مرغ و خروس‌های باران خورده که روی یک لنگه در قدیمی چوبی کز کرده بودند و تصویرشان در آبی که جلوی آن‌ها بود، منعکس شده بود». وی با اشاره به تاسیس سینمای جوانان کرمان در سال ۶۳ افزود: «سینمای جوانان آن زمان فقط یک اسم داشت، ما به خانه فرهنگ روبه‌روی عباسعلی که الان اداره کتابخانه‌ها در آنجاست، می‌رفتیم. آنجا کتابخانه و یک آمفی تئاتر بود که حدود ۷۰ نفر گنجایش داشت و گاهی آنجا تئاتر اجرا می‌شد و یک اتاق بود که مرحوم آقای منوچهر هماموندی مدیر تئاتر کرمان آن‌جا بودند و کلاس ما با آقای افشار در آن اتاق برگزار می‌شد، یعنی سینمای جوانان حتی یک اتاق هم نداشت».

استاد پیشکسوت عکاسی خاطرنشان کرد: «اولین فیلم‌نامه‌ای که نوشتم حدود ۸ خط بود که جناب افشار که روحشان شاد باشد، سبزه بار از من خواست آن را بازنویسی کنم. من فکر می‌کردم که ایشان مرا اذیت می‌کنند و نمی‌خواهند که فیلم بسازم. اما سه ماه بعد از آن که فیلم‌نامه را تصویب کردند و دوربین و تجهیزات رسید، استاد بزرگوارم خودشان سر صحنه آمدند و کمک کردند تا فیلم ساخته شد».

وی یادآور شد: «همان فیلم با نام «انتقال» اولین فیلم انجمن کرمان شد. من به‌همراه فیلم‌نامه را نوشتم و اردیبهشت‌ماه سال بعد فیلم‌برداری را انجام دادم. فیلم به جشنواره فیلم کوتاه تهران رفت، در سه رشته کاندیدا شد و ۲ جایزه گرفت. جوایزی که این فیلم گرفت باعث شد تا مسیر زندگی من عوض شود، زیرا تا آن زمان در خانه انتظار داشتند که من یا دکتر بشوم یا مهندس!».

وی درباره‌ی کلاس‌هایی که در انجمن برگزار می‌شد، اظهار کرد: «در انجمن چون به جز من کس دیگری نبود، بنابراین دوره یا کلاس خاصی برگزار نمی‌شد. انجمن سه درس داشت، مبانی تصویری که استاد امام تدریس می‌کردند که فرصت عالی و سعادت بزرگی بود که با ایشان آشنا شدم و مرا به‌عنوان شاگرد پذیرفتند که تاثیر بزرگ و زیادی هم در زندگی شخصی و هم در زندگی هنری من داشتند و مرا به یک سمت و سوی دیگر بردند. درس صداپردازی توسط آقای جواد نکهت از صداپردازان مهم آن زمان رادیو و تلویزیون کرمان تدریس می‌شد و برای فیلم‌نامه‌نویسی و کارگردانی هم من حضوری خدمت آقای افشار می‌رفتم که بسیار از ایشان آموختم و همواره مدیون ایشان هستم».

این فیلم‌ساز کرمانی تاکید کرد: «در واقع من هیچ کلاسی در سینما و عکاسی به‌طور جدی و آکادمیک ندیدم، اما بسیار کلاس

به‌همراه ماه گذشته مراسم اختتامیه نهمین هفته فیلم و عکس کرمان، انجمن سینمای جوان کرمان از محمد اسلامی عکاس و فیلم‌ساز هنرمند و قدیمی‌ترین هنرجوی این مرکز، به پاس یک



محمد لطیف‌کار

عمر فعالیت هنری (چهل سال) در حوزه عکس و فیلم تجلیل کرد.

محمد اسلامی، فعالیت خود در سینما جوان کرمان را از سال ۶۳ آغاز کرده و بیش از ۱۰۰ فیلم کوتاه داستانی، مستند و مجموعه مستند ساخته است.

وی در گفت‌وگو با استقامت با اشاره به ۴۰ ساله شدن انجمن سینمای جوان کرمان، گفت: «من اولین هنرجو در دوره اول سینمای جوان بودم. ما ابتدا ۱۰ نفر بودیم که ۹ نفر از دوستان بعد از مدتی در طول آموزش منصرف شدند و رفتند، اما من در کنار استاد بزرگوارم مرحوم سهراب افشار که موسس سینمای جوان کرمان بودم، ماندم و اولین فیلم سینمای جوان کرمان را به نام «انتقال» ساختم».

اسلامی با اشاره به چگونگی ورودش به عرصه عکاسی و فیلم‌سازی توضیح داد: «در دوره دبیرستان یکی از درس‌ها و زنگ‌های بسیار لذت‌بخش برای من انشا بود. همیشه علاوه بر موضوعی که معلم برای انشا مشخص می‌کرد و باید سر کلاس می‌نوشتیم و می‌خواندیم، درباره‌ی مطالب دیگر هم می‌نوشتیم و علاوه بر آن، تئاتر‌هایی هم در مدرسه به مناسبت‌های مختلف می‌نوشتیم و خودم بازی و کارگردانی می‌کردم».

وی یادآور شد: «حتی تابستان‌ها، در قسمتی از محله بچه‌ها را جمع می‌کردم، یک پارچه را به‌عنوان پرده وصل می‌کردم و برای بچه‌ها نمایش بازی می‌کردم».

اولین فیلم و اولین عکس

عکاس پیشکسوت کرمان ادامه داد: «سال ۶۰ بدون اینکه آموزش دیده باشم با دوربین یکی از همکلاسی‌هایم که یک دوربین سوپر ۸ بود و چند کاست فیلم هم داشت اولین فیلم را ساختم که البته به دلیل اینکه فیلم‌های خامی که داشتیم تمام شد، آن فیلم نیمه‌تمام ماند». وی گفت: «آن فیلم‌ها را من الان دارم و در فیلم دیگری که شروع کرده‌ام از آن‌ها به‌عنوان مقطعی از تاریخ زندگی خودم و خانواده‌ام استفاده می‌کنم».

اسلامی خاطرنشان کرد: «شروع فیلم‌سازی من، بر اساس علاقه، عشق از آنجا شروع شد». وی با اشاره به روند تحصیلاتش افزود: «کلاس پنجم دبستان در آمون مدرسه استعدادهای درخشان که الان به آن تیزهوشان می‌گویند شرکت کردم و بعد از دو مرحله آمون پذیرفته شدم».

اسلامی ادامه داد: «ما دومین دوره استعدادهای درخشان کرمان بودیم و من جزو بچه‌هایی بودم که در سال اول ورود دو کلاس را در یک سال تحصیلی خواندم».

وی افزود: «از همان دوره اول دبیرستان کلاس موسیقی (تمبک) می‌رفتم، شعر و نمایشنامه می‌نوشتیم و با همکلاسی‌هایم اجرا می‌کردیم. در ضمن نقاشی من هم خیلی خوب بود، زمانی که کارهایم را به مرحوم استاد محمدمام نشان دادم ایشان تعجب کردند و مرا به‌عنوان شاگردشان پذیرفتند که دوره مهمی از زندگی هنری من آغاز شد».

وی اضافه کرد: «اولین عکس‌ام را به‌طور جدی، سال ۵۹ که دانش‌آموز دبیرستان امام خمینی کرمان بودم (آن زمان مدارس استعدادهای درخشان منحل شده بود) با